

<p>دوشنبه ۴ اسفند ۱۳۹۹ - ۱۰ رجب ۱۴۴۲ - ۲۲ فوریه ۲۰۲۰ - شماره ۱۷۲۷ - پیاپی ۲۰۵۵</p> <p>صنعت معدن تجارت</p> <p>مشهور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه‌های www.smtnews.ir/about.html</p> <p>صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «صنعت»</p> <p>مدیر مسئول: ناصر بزرگمهر سردبیر: عاطفه خسروی</p> <p>تلفن: ۸۲۱۹۰ - شماره: ۸۸۷۱۳۲۲۰ - پیامک: ۳۰۰۰۸۲۱۹۰ سازمان آگهی‌ها: ۲-۸۸۷۲۲۲۲۲ - شماره آگهی‌ها: ۸۸۷۲۴۲۱۱ امور مشترکین: ۸۸۷۲۲۲۲۵ - روابط عمومی: ۸۸۱۰۵۳۰۹ توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۷۲۲۲۲۵ تهران، خیابان قائم مقام‌فرهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶ - کد پستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱ روابط عمومی: pr@smtnews.ir آگهی: ads@smtnews.ir امور استان‌ها: ostanha@smtnews.ir چاپخانه: شرکت چاپ روان روشن مهر</p> <p>info@smtnews.ir www.smtnews.ir telegram.me/smtnews instagram.com/smtnewspaper tozi.smtnews@gmail.com</p> <p>روزنامه صنعت ۶۳ امتیاز ر تبه ۲ عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی در میان روزنامه‌های تخصصی مقام ۱ عضو انجمن مدیران رسانه عضو تعاونی مطبوعات در میان روزنامه‌های اقتصادی مقام ۲</p>	
---	--

در گفت و گوی **صنعت با کارشناس روابط عمومی مطرح شد**

بی تشریفات در باره تشریفات!



نادر اسکندری، مدیرعامل شرکت آریا

مجتبی اسکندری - چندی پیش نخستین کتاب تخصصی، علمی و کاربردی تشریفات مدیران، تالیف احمد یحیایی ایله‌ای ازسوی انتشارات جاجرمی منتشر شد. احمد ایله‌ای معتقد است تشریفات ابزار رفتار مثبت سازمانی است و رعایت آن می‌تواند بسیاری از رفتارهای مخرب سازمانی را کاهش دهد. اگر مدیران به‌درستی رفتار و آداب را رعایت کنند، حریم‌های رسمی و سازمانی بیشتر و بهتر رعایت شده، رفتار سازمانی شکل می‌گیرد و اقتدار مدیریتی حفظ می‌شود. آنچه در ادامه می‌خوانید گفت‌وگوی **صنعت با احمد ایله‌ای است.**

● رعایت آداب تشریفات در امور تبلیغاتی منجر به فرآیند شکل‌گیری مفهوم برند می‌شود. آسیا می‌توان از برند در تبلیغات به‌عنوان سکوی پر تاب چه در تجارت و چه در سیاست بهره جست؟

من ترجیح می‌دهم به‌جای واژه انگلیسی برند و واژه عربی اعتبار از واژه فارسی خوشنامی استفاده کنم. به‌نظر من سازمانی که خوشنام است در جلب ثروت، قدرت و احترام توفیقات بیشتری نسبت به هم‌تایان خود خواهد داشت. به هر میزان که مسأ در دنیا با بدنامی مواجه باشیم، منجر به افت اعتبار ما در سایر سطوح خواهد شد؛ به‌طور مثال گردشگردی نخستین حوزه‌ای است که با افت فاحش ناشی از سقوط خوشنامی مواجه خواهد شد. ممکن است در ادامه با مشکلات دیگری در سایر بخش‌ها نیز مواجه شویم.

● روابط عمومی به‌علت شکل‌گیری توسط نهاد بازار، به‌شکل سنتنی با تبلیغات تجاری گره خورده است. آیا تبلیغات با تشریفات آمیزشی دارد؟

اصلا در این زمینه تردیدی به خودتان راه ندهید. شما به‌عنوان یک بازار یاب باید بتوانید تشریفات را برای فروش یک کالا یا خدمات به‌طور نامحسوسی بسازید خریدار با مخاطب تبلیغ فراهم کنید تا او احساس ناامنی فرهنگی در قبال کالا و خدماتی که شما ارائه می‌دهید، نکند و برای شما یک مخاطب پروپاقرص و ثابت بماند. اصولا شما برای ارائه یک تبلیغ خوب باید بتوانید تشریفات مناسب با طبقه و فرهنگ اجتماعی افراد ارائه کنید که آنها بتوانند با شما همذات‌پنداری کرده و از کالا و سرویس شما استقبال کنند.

● آیا روابط عمومی‌ها در نهادهای مختلف اقتصادی دارای وظایف متمایزی هستند؟

بگذارد این شکلی به شما توضیح بدهم: روابط عمومی مثل حسابداری است و هر دو براساس اقتضانات بازاری کمپانی‌ها در انگلستان و ایالات متحده شکل گرفتند و بعدتر ادارات و نهادهای دولتی در انگلستان که به دلایل فاصله فرهنگی طبقاتی با مردم فاصله داشتند، الزام بکارگیری روابط عمومی در دولت را هم عملیاتی و پس از آن تقریبا تمامی نهادهای اداری در دنیا اقدام به بکارگیری نهاد روابط عمومی در سازمان‌های‌شان کردند. منتهای مطلب، روابط عمومی در بخش خصوصی با منابع کمتر، ناچار در بکارگیری خلاقیت‌های محتوایی و بصری بیشتری است و به همین دلیل در بسیاری از موارد کارآمدتر از روابط عمومی‌های دولتی عمل می‌کند. البته تمایزات چندانی میان نهاد روابط عمومی اداری و بازرگانی در ایران دیده نمی‌شود و ریشه‌های این عدم تفاوت را باید در ساختارهای آموزشی ایران جست‌وجو کنیم که حداکثر در یک مقطع تحصیلی و در دانشگاه‌های بسیار محدودی اقدام به آموزش این رشته می‌کند و در نتیجه آموزش‌های تکمیلی و تخصصی رایج در دنیا در این زمینه برای ما وجود

ندارد.

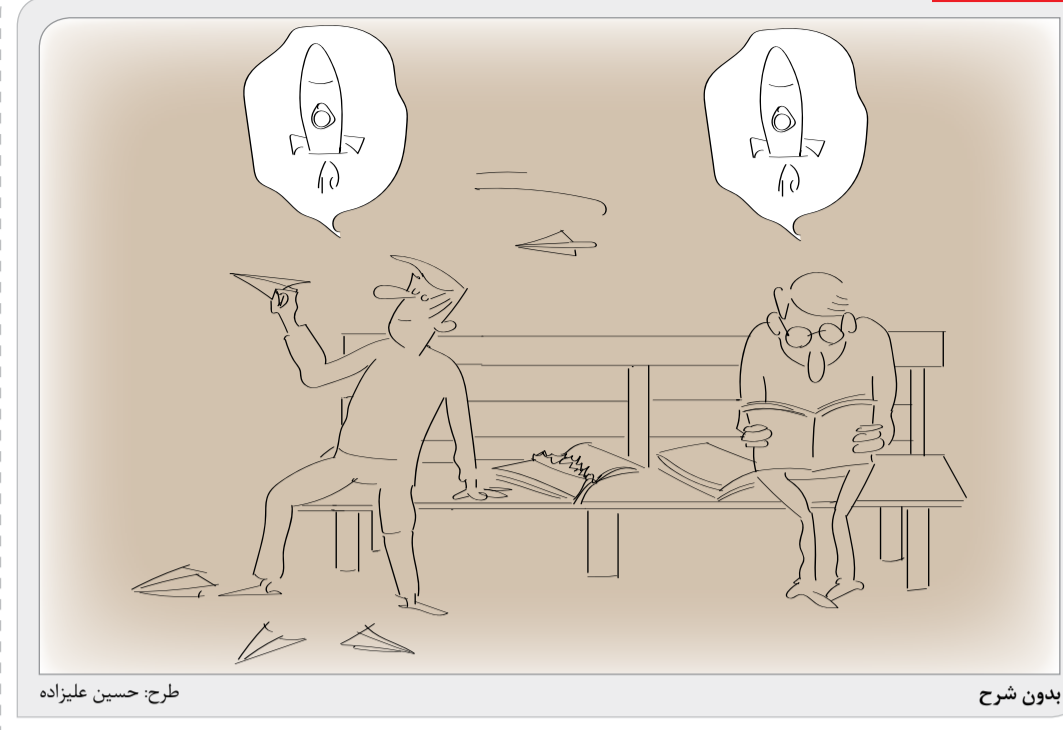
● بعد از تولد روابط بین‌الملل و پیدایش منطق مناسبات روابط مدرن، ابزارهایی برای این‌کار به‌وجود آمد که یکی از آن ابزارها در کنار حقوق بین‌الملل، تشریفات بود. به‌نظر شما تشریفات چه کمکی به بهبود روابط بین کشورها می‌کند و بر سقوط روابط بین کشورها چه اثری خواهد داشت؟ در فضای بین‌شرکتی و بین‌دولتی چگونه ابزاری است؟

تشریفات بیشتر برای این است که روابط مثبت شود. اصلا تشریفات نمی‌تواند روابط را منفی کند. این رعایت نکردن تشریفات است که منجر به منفی شدن روابط می‌شود. خود تشریفات اساسا از زاویه علم ارتباطات کمک می‌کند که شما روابط مثبت داشته باشید. ما در زندگی روزمره‌مان به‌عنوان یک فرد تلاش می‌کنیم با خانواده و دیگران روابط مثبت داشته باشیم و احساس مثبتی را به طرف مقابل منتقل کنیم. این احساس مثبت را با لباس‌مان، و نگاه‌مان و با نشستن و برخاستن‌مان منتقل می‌کنیم و این می‌تواند در یک فضای عمومی صورت بگیرد و تشریفات به‌معنای عام باشد. همه علوم هم جنبه عام دارند و هم جنبه خاص. ما هم روابط عمومی عام داریم؛ به این معنا که می‌گوییم فلانی مهارت‌های ارتباطی خوبی دارد و روابط عمومی‌اش خوب است و یک روابط عمومی به‌معنای خاص داریم؛ یعنی اداره روابط. در تشریفات یک تشریفات به‌معنای عام داریم که همان آداب معاشرت است و اینکه مردم یک سری مناسبت‌های رفتاری و گفتاری را رعایت کنند. همه انسان‌ها به‌صورت عمومی محتاج تشریفات هستند، به این دلیل که ما در زندگی‌مان به‌دنبال روابط مثبت هستیم و تشریفات هم در جای‌جای شکل می‌گیرد که روابط برقرار می‌شود؛ یعنی افراد ارتباط چهره به چهره دارند مثل رویدادهای مختلف از قبیل مذاکرات، نمایشگاه‌ها، بازدید، جشنواره و... در این رویدادها تشریفات پررنگ و اهمیتش بیشتر می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت تشریفات زیربنای شکل‌دهنده روابط مثبت است.

● همان active communication با عمل تفاهمی؟

بله؛ دقیقا و کاملا براساس اصل تفاهم و احترام برای انجام کارها در روابط دو یا چندجانبه میان افراد، دیپلمات‌ها و بازرگانان! در حقیقت تشریفات زیربنای خوشنامی است. این خوشنامی می‌تواند خوشنامی فردی باشد؛ مثلا من یک انسان تشریفات‌ی هستم یا نه. مدیرانی که تشریفات را رعایت می‌کنند سازمان خوشنام‌تری دارند. شما وارد یک سازمان می‌شوید و می‌بینید در سازمان همه تشریفات را رعایت می‌کنند و رفتار و روابط درست دارند. در سطح روابط ملی هم تشریفات مینا و زیربنای خوشنامی است. یعنی نه‌تنها افرادی که سیاستمدار هستند بلکه تجاری هم که در مذاکرات شرکت می‌کنند و پرچم کشور را در دست دارند، بدنه باید اصول مذاکره و تشریفات را بدانند و رعایت کنند. مسئولان عالی‌رتبه به‌شدت بر این

«**کارتون روز**»



بدون شرح

طرح: حسین عزیزاده

«**دریچه**»

رفع تهدید تورمی ارز ۱۷۵۰۰ تومانی

تصویب ارز ۴۲۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی ازسوی مجلس و کمیسیون تلفیق پیام مثبتی دارد مبنی بر اینکه جامعه‌در کوتاه‌مدت دچار تورم افسارگسیخته نخواهد شد و این مهم‌ترین پیامد تصمیم درست مجلس و دولت در اوضاع کنونی است. سیاست اختصاص ارز ترجیحی به واردات کالاهای اساسی از ابتدای سال ۱۳۹۷ پیگیری شده و در مرداد ۱۳۹۷ با معرفی ۲۵ قلم کالا به‌عنوان کالاهای اساسی، ارز با‌نرخ ترجیحی تنها برای واردات این ۲۵ قلم کالا اختصاص داده شد. از آن زمان تاکنون تعدادی از کالاهای اساسی به‌تدریج از شمول ارز ۴۲۰۰ تومانی خارج شده است. طبق داده‌های موجود در حال حاضر از ۲۵ قلم کالای تعیین شده در سال ۱۳۹۷ تنها ۵ قلم باقی مانده و به‌تدریج بیشتر کالاها از فهرست کالاهای اساسی مشمول ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومان بیرون گذاشته شدند، اما این فهرست هرگز به صفر نرسید. در بودجه ۱۴۰۰ دولت دوباره ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی را برای کالاهای اساسی در نظر گرفته بود اما مجلس، از جمله کمیسیون تلفیق با این امر مخالفت کرده و نرخ ارز را به ۱۷ هزار و ۵۰۰ تومان رساندند. بدون شک این کار اثرات تورمی حیران‌ناپذیری برای جامعه و اقتصاد کشور در بر خواهد داشت. به همین خاطر دولت حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی را نپذیرفت و در لایحه اصلاحی که به مجلس فرستاد نرخ ارز، مشابه لایحه اولیه بودجه ۱۴۰۰ همان ۴۲۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی و ارز ۱۱ هزار و ۵۰۰ تومانی برای نرخ تسعیر در نظر گرفته شد.

■ علت پافشاری دولت

با تصویب کلیات بودجه ازسوی مجلس موضوع حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی برای سال آینده منتفی شد. البته به دولت اجازه داده شده که به‌تدریج از این نرخ فاصله بگیرد و در صورت فراهم بودن شرایط نرخ ارز را به نرخ سامانه ETS نزدیک کند. به گزارش ایرنا این موضوع ازسوی کمیسیون تلفیق نیز پذیرفته شده است. رحیم زارع روز چهارشنبه هفته گذشته در تشریح جلسه نوبت صبح کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی گفت: باتوجه به اصرار دولت و درخواست‌های مکرر برای تأیید نرخ ارز کالاهای اساسی، کمیسیون تلفیق با ارز ۴۲۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی در بودجه ۱۴۰۰ موافقت کرد. به‌گفته زارع، البته کمیته‌ای با حضور رئیس سازمان برنامه و بودجه، رئیس کل بانک مرکزی، وزرای اقتصاد و دارایی، صنعت، معدن و تجارت و کشاورزی برای اینکه کالا به‌موقع و با ارز ۴۲۰۰ تومانی به‌دست مردم برسد، تشکیل می‌شود. همچنین براساس دیگر مصوبه کمیسیون تلفیق، دولت برای کنترل نرخ ارز اجازه دارد ارز را ۲ درصد زیر نرخ ETS در کشور عرضه کند. اصرار دولت بر وجود ارز ۴۲۰۰ تومانی به‌خاطر شرایط خاص اقتصادی کشور است. اقتصاد ما به‌شدت از تحریم و کرونا آسیب دیده و پیامدهای آن برای اقشار ضعیف، به‌ویژه دهک‌های در آمدی پایین به‌مراتب بیشتر از سایر افراد جامعه بوده، به همین خاطر دولت در راستای حمایت از این دهک‌های در آمدی چاره‌ای جز تن دادن به ارز ۴۲۰۰ تومانی نمی‌دید. حتی اگر کل درآمد حاصل از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی را به این اقشار اختصاص بدهند ممکن بود در وفات تورم و گرانی گم شود. یعنی شوک ناشی از افزایش یکباره نرخ ارز به ۱۷ هزار و ۵۰۰ تومان می‌توانست چنان بزرگ باشد که بارانه پرداختی به قشر کم‌درآمد را بی‌معنی کند.

■ ضرورت حذف یارانه پنهان

بر کسی پوشیده نیست که ثبات بودجه و متعاقب آن کالاها و خدماتی که دولت در اختیار جامعه قرار می‌دهد در گرو تأمین درآمدهای مطمئن برای دولت است. ایجاد در آمد پایدار و مطمئن نیازمند انجام اصلاحاتی در ساختار بودجه است. اصلاحات در حوزه درآمدسازی پایدار بودجه ۳ رکن اصلی دارد که مجموعه برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت دولت باید براساس این رکن تعریف شوند. این ۳ رکن عبارتند از: اصلاح نظام مالیاتی، واگذاری و مولدسازی دارایی‌های دولت و اصلاح نظام یارانه‌ای. آنچه که به تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی به واردات کالاهای اساسی مربوط می‌شود در چارچوب رکن نسوم، یعنی اصلاح نظام یارانه‌ای قرار می‌گیرد. در واقع حذف ارز ترجیحی یعنی حذف یارانه پنهان دولت به گروه‌ها و اقشار ثروتمند و دهک‌های در آمدی بالای جامعه. بنابراین، باوجود اجماع بر ضرورت حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی در شرایط کنونی امکان انجام این کار به‌صورت یکباره وجود ندارد و تصویب این ارز ازسوی مجلس و کمیسیون تلفیق پیام مثبتی خواهد بود به جامعه مبنی بر اینکه در کوتاه‌مدت دچار تورم افسارگسیخته نخواهد شد. این مهم‌ترین پیامد تصمیم درست مجلس و دولت در اوضاع کنونی است. بالاخره، در سال‌های آتی ارز ترجیحی با نرخ ۴۲۰۰ تومان به تاریخ خواهد پیوست. امید آن است که شرایط اقتصادی کشور به نقطه‌ای برسد که جامعه نه‌تنها از این امر متضرر و ناراضی نشود بلکه منتفع و موافق آن باشد.

شکاف عمیق مزد و معیشت



نظرگاه

کاظم فرج الهی - فعال کارگری: «منشأ مزد چیست؟» پاسخ این پرسش برحسب اینکه در کدام جایگاه طبقاتی قرار گرفته باشیم و از کدام زاویه جهان را بنگریم یکی از سه‌گانه‌های زیر خواهد بود. هدیه و پولی است که از سر خیرخواهی برای گذران زندگی به کارگر داده می‌شود! نرخ نیروی کار اوست که به شکل کالا به کارفرما فروخته می‌شود.

استادکاران، صنعتگران و صاحبان کارگاه‌های ماقبل سرمایه‌داری (و مانوفاکتورها) شاگردان و نیروهای مورد نیاز (وردست) خود را از کودکی و نوجوانی در کنار خود به‌کار می‌گرفتند. استدلال همواره این بوده که کارگر در این کارگاه فن و پیشه می‌آموزد و پرداخت مزد فقط کمکی است برای گذران زندگی او و اصولا پذیرش او از سر خیرخواهی بوده است.

نگاه دوم، نگاه کارفرمایان و صاحبان بنگاه‌های مدرن و صنعتی است. صاحبان سرمایه در این بنگاه‌ها برای ادامه «روند تولید و فروش محصولات» و تحقق ارزش اضافی و براساس آن انباشت سرمایه، در بخش‌های مختلف سرمایه ثابت از جمله خرید یا اجاره زمین و ساختمان و تاسیسات، خرید و نگهداری ماشین‌آلات و تجهیزات تولید، مواد اولیه و حمل‌ونقل و انبارداری و... هر گونه سرمایه و هزینه‌های لازم را اختصاص می‌دهند و بر حسب نرخ بازار، فرصت چندانی برای چانه‌زنی و مانور ندارند، اما وقتی نوبت به هزینه‌های پرسنی، از جمله دستمزد می‌رسد، برای کاهش نرخ تمام شده محصول و تأمین هرچه بیشتر سود از هیچ‌گونه خست و صرفه‌جویی رویگردان نیستند و برحسب مقتضیات بازار کار و حضور بی‌شمار کارگران بیکار، به سرکوب مداوم و سازمان‌یافته مزدها اقدام می‌کنند.

این‌گونه است که در شرایطی که کارشناسان مختلف خط فقر را بین ۸ تا ۱۰۵ میلیون تومان برآورد می‌کنند دریافتی نیروی کار، اگر شناس اشتغال داشته باشد، با همه مزایایی که اگر تعلق گیرد و پرداخت شود ۲.۸ میلیون تومان تعیین می‌شود، این در شرایطی است که نرخ تورم براساس آمار رسمی تا این لحظه ۴۲ درصد است و تورم وارد بر کالاهای اساسی و مورد مصرف در سبد معیشت کارگران گاه به ۸۰ درصد نیز سر می‌ساید.

نگاه سوم، نگاه جامعه‌گرایان است. پس از آنکه مواد اولیه در کارگاه، توسط کارگر و با بهره‌گیری از ابزار و تجهیزات لازم (فناوری)، روند تولید را طی کند و محصول نهایی در بازار به فروش برسد پولی به‌دست می‌آید که از مجموع هزینه‌های تولید اضافه‌تر است. بخشی از ارزش اضافی ایجاد شده، مربوط به نیروی کار بکار گرفته شده کارگر است؛ «حق» و مزد اوست که باید به او پرداخته شود.

ایران سرزمینی بسیار ثروتمند و دارای سرمایه، معادن و منابع طبیعی فراوانی (زیر و روی زمین) است؛ منابع و ثروتی که متعلق به تمامی ساکنان کنونی این سرزمین و نسل‌های آینده آن است و اگر سیستم توزیع و بازتوزیع این منابع و امکانات منطقی و عادلانه باشد تمامی ساکنان و جمعیت (نیروهای کار) هم فرصت شغلی مناسب خواهند داشت و هم برحسب نوع کار و فعالیتی که انجام می‌دهند می‌توانند از رفاه نسبی برخوردار باشند.

برای اثبات این ادعا، ناگزیر باید به چند آمار و شاخص اقتصادی به‌طور کوتاه و گذرا اشاره شود. «تولید ناخالص داخلی یا GDP» رایج‌ترین شاخص برای اندازه‌گیری رفاه یک جامعه (یا بزرگی اقتصاد یک کشور) و مقایسه آن با سایر جوامع است. این شاخص در ایران برابر با کل ارزش پولی (ریال یا دلار) محصولات (کالا و خدمات) تولید شده نهایی توسط واحدهای اقتصادی کشور در یک دوره معین (معمولا یکساله) است.

براساس برآورد صندوق بین‌المللی پول، تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۱۹ برابر ۱۴۷۰ میلیارد دلار بوده است. برای روشن‌تر شدن موضوع اضافه می‌شود که رتبه ایران از این جهت در این سال‌ها در میان حدود ۲۰۰ کشور (اقتصاد) جهان بر اساس برآوردهای متفاوت صندوق جهانی پول و بانک جهانی بین ۱۸ تا ۲۶ قرار دارد.

در همین سال، صندوق بین‌المللی پول که از داده‌های منابع رسمی چون مرکز آمار و بانک مرکزی استفاده می‌کند، شاخص «درآمد سرانه» ایران را ۴۱۶ دلار برآورد کرده که در جایگاه صدم است.

می‌دانیم درآمد سرانه یا میانگین درآمد مردم یک کشور از تقسیم ارزش کل تولید ناخالص داخلی (ارزش افزوده نهایی ناشی از تمامی کالاها و خدمات) بر شمار جمعیت آن کشور به‌دست می‌آید.

براساس این شاخص اگر بهای دلار را به‌منظور ساده کردن مسئله ۱۱ هزار و ۵۰۰ تومان فرض و اعداد را هم سرراست کنیم، در این سال به‌طور میانگین هر فرد ایرانی ۶۲ میلیون تومان خلق ارزش کرده است. پس در یک خانوار سه‌نفره به‌طور متوسط ۱۸۶ میلیون تومان ارزش خلق شده، این در حالی است که در همین سال حداقل مزد کارگران ایران، تصویب شده توسط شورای عالی کار حدود ۱.۴ میلیون و با لحاظ کردن تمامی مزایای متعلقه دریافتی ۸۰ درصد شاغلان، حدود ۱.۶ میلیون تومان بوده و متاسفانه باز هم می‌دانیم به‌دلیل نبود نظارت قانونی بر روابط کار و حضور ارتش بیکاران، بخش بسیار بزرگی از کارگران با مرزدهای کمتر از حداقل (وگاه تا یک‌سوم) به‌کار گمارده می‌شوند. در شرایط کنونی در حالی که باتوجه به سطح نرخ کالاهای موجود در سبد معیشت کارگران و وجود تورم خزنده ماهانه بیش از ۳ درصد، خط فقر برای یک خانوار سه‌نفره براساس برآوردهای مختلف بین ۸ تا ۱۰۵ میلیون تومان است، دریافتی ماهانه بیش از ۸۰ درصد نیروهای کار شاغل و بازنشسته این سرزمین بالقوه ثروتمند، بین ۲.۸ تا ۳ میلیون تومان است که نشانه بی‌عدالتی مغرط و آشکار در تقسیم و توزیع ثروت و منابع عمومی است. بگذریم از انبوه بیکاران و بی‌ثبات‌کارانی که از همین درآمد هم محروم مانده‌اند.

با ما سبک زندگی اقتصادی را کسترش دهید

آخرین اخبار و تازه ترین تحلیل ها را در پایگاه خبری «کسترش نیوز» دنبال کنید

www.Gostaresh.news

Telegram.me/smtnews